

وار در دیده در دور و تن عیان ابد و جیب ز با لوق و مشربین بر باقی ابد
 طبع حسن خاکس که صاحب و سر داری و شایخی و نه داری و مستندی ظاهر
 انکه صورت اخلاص کویست بنگه و تدریب تنگ ایلا لایتن خلایق لب لبه دیده و بار
 روم سعادتم سوسه کلایه تصرف منصفیله موسوم او مستندی بهر بونیه
 مدخلی و اکثر معارفان بر بار عالی و ارایه می شوغنه عالم بود بر فطرت انکه نظم

عیانی من ستر در نامی بسیار در ایما علم و عرفان مقبول طبع و لطیف شان
 کس از بدی ضامات جیاد کالات حتی تواریک با بیجا نظرتان دورا و مخیله
 حالی نظرها عطا تا من و او امسک اینج صاحب اولت بدی طریق علقه علام
 او لب ناموز منولی اولان منصبه وصول بولدن روضه جنان و سلسلی
 بهشت جاودانه دخول شهیدی اشعارنده لطافت ظاهر و عیان ابدی کلایه

کلان صغوه بر شجر بسیار است
 نورس صورت آشفته به نور روح
 کور نور عکس حک آینه ظاهر
 نو که کلان کویا کیرم و کیرک
 ای عیانی دل بر مودی اجیانندی

عیانی نامی مظهر در با باسی جلیب عینی کین عالم عیانی به ستم اتمشدر طریق
 ساکت و لوب ملازم اولدور فکرة خدمت ملاکسه علومه قایل اولمشدر
 قلدوز زمان و حصص عالی شان و جبهه عرفاننده سان و عیان آینه کیده
 اسکنه غولده فرق اچته در سه دن معول بدی امیدور که بیروی سچی و بار اولد
 و قوت اجتهاد که معانی عروس مراد و واصل ابرنوی فواد اوله اکابر
 اعیانله صحبت و اکتفا فکلس و اول زمره تک حوال و اطوارن بلند در رانم
 لظروف بوغنی طرح ایلیوب باران صفا و احوان و فاشیح است کلایه و کیرک
 بولوق استر سا که کیر بر سمد تابان دخی بنده بلام جوق و در بزوج سر دران

عیانی

وار عیانی المیسه را چه شکلده اولد
 بره جلای لند و لی بکیر تکمیل اولمک
 در عشق شکله حکم خونین دل بر دکن

ای حسن اولمه جهانده کس ان هم و وفا
 اول بری و شغ غمده نه ظهور ز دور ان دخی

جلدت دلده حمال ماولن مکران دخی
 کور بیلدن اوسف کاکچره می بوغوش
 روشن کین حاتم خبند در و فوجانک
 بزم غمده با دوه اشکلده سر حاتم عشق
 خا خسته عیانی تلک دخل قان اطله

عیانی برو سه دینر علو مال صدد و صیله و لوازم جهام معارف و کمال
 تکلیفه در امیدور که معارفی بر آیدوه و مدراج تر فی به بقاع اوله بهر اولد

دلی قالدی می بری آشفته حال اولد
 کاه اعلک عرض ایدرین کاه رخصا رک
 سنده ختم اولدی کور لکله بریدیم

عیانی دار السلام فیه اولسا کرام حسن اشباع ملا و اول خط بیان خود
 نامی حسین در اشغاری ساده و کشاده و کثرت و وفرتنه در بنده حد و عددان زیاد
 سنده اربع و ستمین و شهادیه روم کلایه حدایت کرام لظرفه کلوب و تکرار
 تحریر و تمقد و بر مشیدی بیست شام عیدل برومین نمودان صاحب جمال
 سبت فراد عید چون سبانت اشب بهال در عید اولدی او یکل استرن
 اول مملکتان او و بخش کل کیر کله با شایان عیونی نامی مظهر در مقلدما
 سبب اولن عرب زاده افندتک بنمشه فراده سید حضرت عیالک طرف عیونایلیه
 بیرونی عیالک اشغاب معارف و کالاته با لغا مالک اولد عیالی
 اقتدی دن ملازم اولدند تصیحه طریق قضایه عازم اولمشدر و حالار و لم بلیده
 نیز اللی قبایله قضی واکم در حقا که قضایک کالاتار استه و اردن دن جانانی

عیانی